

تبیین بازدارنده های توسعه کشاورزی در روستاهای شهرستان رستم

احسان بازیارا

دانشجوی کارشناس ارشد توسعه ی روستایی، دانشکده ی کشاورزی، دانشگاه یاسوج

مصطفی احمدوند

دانشیار ترویج و توسعه ی کشاورزی، دانشکده ی کشاورزی، دانشگاه یاسوج

چکیده

توسعه بخش کشاورزی زمینه ساز فعالیت و پیشرفت سایر بخش هاست. بر این اساس، هدف اصلی این پژوهش که به صورت پیمایش انجام شده، تبیین بازدارنده های توسعه کشاورزی شهرستان رستم در استان فارس بود. جامعه آماری تحقیق شامل کشاورزان دهستان رستم دو از توابع شهرستان رستم بودند. برای این منظور، ابتدا تعداد خانوار روستاهای بالای بیست خانوار (۱۰ روستا) در دهستان مذکور شمارش شدند (۶۷۲ خانوار)، آنگاه بر اساس جدول کرجسی و مورگان تعداد ۲۲۰ خانوار به عنوان نمونه برآورد و به صورت انتساب متناسب در بین روستاهای مذکور توزیع شدند. پرسشنامه مهم ترین ابزار جمع آوری داده ها در تحقیق حاضر بود. روایی صوری پرسشنامه توسط پانلی از متخصصان مربوطه تأیید شد و پایایی آن نیز با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ($\alpha=0/83$) تأیید گردید. به منظور تجزیه و تحلیل داده ها از تحلیل عاملی بهره گرفته شد. در این زمینه ابتدا به منظور اندازه گیری انسجام درونی گویه ها از آزمون KMO و آماره بارتلت استفاده شد. نتایج حاصل از محاسبات نشان داد که انسجام درونی گویه ها برای بهره گیری از تکنیک تحلیل عاملی مناسب (KMO برابر با ۰/۷۰۶) و آماره بارتلت معنادار ($p=0/001$) است. با توجه به ملاک کیسر، ده عامل با مقدار ویژه بالاتر از یک استخراج شده که ۵۸/۴۹ درصد از واریانس کل عامل ها را تبیین می کنند. این ده عامل با نام های، اقتصادی، اجتماعی، تسهیلاتی، آب، آموزشی- ترویجی، سازمانی- مدیریتی، سرمایه ای، برنامه ریزی، مشارکتی و فنی به عنوان بازدارنده های توسعه کشاورزی در منطقه مورد مطالعه نام گذاری شدند. در پایان با توجه به نتایج مطالعه، پیشنهادهایی برای فائق آمدن بر توسعه نیافتگی کشاورزی منطقه ارائه گردید.

واژه های کلیدی: بازدارنده، توسعه روستایی، توسعه کشاورزی، توسعه نیافتگی، شهرستان رستم.

مقدمه

در عرصه جهانی، نگاهی بر زمینه‌های تحول جوامع پیشرفته کنونی، گویای آن است که منشأ توسعه‌یافتگی بسیاری از این ممالک، مازاد تولید در بخش کشاورزی بوده و در مراحل اولیه توسعه، میناساز تحولات شده است (مطیعی‌لنگرودی و شمسایی، ۱۳۸۶). در دنیای کنونی نیز به علت افزایش جمعیت، مسئله امنیت غذایی در سطح جهان ابعاد تازه‌ای به خود گرفته و به یکی از مباحث مهم در کلیه کشورهای جهان تبدیل شده است. از آنجاکه خودکفایی یکی از راهکارهای اساسی نیل به امنیت غذایی است، دستیابی به این مهم تنها از طریق افزایش تولید مواد غذایی ممکن خواهد بود. محصولات کشاورزی نقش عمده‌ای در تغذیه جمعیت جهان دارند و این موضوع به‌خصوص در کشورهای درحال توسعه و از جمله ایران مشهودتر است (شبان و همکاران، ۱۳۹۲). در ایران، همانند سایر کشورهای درحال توسعه، کشاورزی یکی از مهم‌ترین

بخش‌های اقتصادی است که درصد قابل‌ملاحظه و بالایی از تولید و اشتغال را در بر می‌گیرد (Ommani, 2009). اهمیت و جایگاه بخش کشاورزی در اقتصاد ایران در راستای اهدافی همانند امنیت غذایی، کارآفرینی، اشتغال و درآمدزایی، رشد صادرات، تحرک بخشی به رشد سایر بخش‌ها و مواردی از این دست همواره مورد توجه برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران بوده و هست (شریف‌زاده و همکاران، ۱۳۸۶). همچنین کشاورزی به‌عنوان فعالیت اصلی در مناطق روستایی، منبع عمده تأمین درآمد و ایجادکننده فرصت اشتغال نقش اساسی در حیات و توسعه اقتصاد روستاها دارد.

اهمیت کشاورزی در توسعه روستایی به حدی است که بسیاری از صاحب‌نظران بر اهمیت راهبردی بخش کشاورزی و ضرورت اهتمام به آن اتفاق نظر دارند (نوری زمان‌آبادی و امینی فسخودی، ۱۳۸۶). بخش کشاورزی به اعتبار شاخص‌های اقتصادی مهمی چون رشد مستمر تولید و بازدهی مطلوب سرمایه، ارزآوری، ارزشبری کمتر، سهم بالا در اشتغال (۲۵ درصد) و نقش مهم آن در تأمین مواد غذایی (۹۴ درصد) (امیرتیموری و خلیلان، ۱۳۸۶) در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصادی کشور به قابلیت‌های مشهور است که می‌توان آن را به‌درستی محور توسعه اقتصادی کشور قلمداد کرد.

به‌عبارت‌دیگر، نقش بخش کشاورزی به دلیل تأمین مواد غذایی، کمک به توسعه سایر بخش‌ها از طریق ایجاد مازاد اقتصادی، کمک به تأمین سرمایه در رشد اقتصادی، کمک به تأمین منابع ارزی، کمک به تأمین ذخیره نیروی کار و کمک به بازار کالاهای صنعتی در فرایند توسعه انکارناپذیر است (موسوی و صدیقی، ۱۳۹۳). امروزه توجه به کشاورزی از خواسته و آرمان به‌ضرورت تبدیل گشته و استقلال سیاسی با امنیت غذایی و نیازهای اساسی مردم گره خورده است. برای پرداختن به این ضرورت بایستی در زمینه افزایش بازدهی و بهره‌وری کشاورزی تلاش شود.

مطلوب است این تلاش در قالب برنامه‌های اصولی و دورنگر

برای توسعه کشاورزی در مسیر فرایند توانمندسازی نیروی انسانی صورت پذیرد. سرانجام اینکه توسعه کشاورزی می‌تواند به‌عنوان اصلی‌ترین بخش در تسریع روند توسعه اقتصادی کشور، نقش حیاتی در توسعه ملی ایفا کند (رکن‌الدین‌افتخاری و همکاران، ۱۳۸۸). توسعه کشاورزی نقش مهمی در توسعه بازار خواهد داشت زیرا با افزایش درآمد واقعی کشاورزان، تقاضای آن‌ها برای کالاهای صنعتی افزایش می‌یابد. از این رو، محرکی برای صنعتی شدن است (گاتاک، ۱۳۸۰)؛ بنابراین، نگاهی متفاوت به بخش کشاورزی و به‌کارگیری علوم و روش‌های نوین در این بخش باهدف توسعه پایدار و تأمین امنیت غذایی کشور کاملاً ضروری است. شهرستان رستم، از جمله مناطقی است که به‌ویژه در سال‌های اخیر با چالش‌ها و مشکلات عدیده‌ای در بخش کشاورزی روبرو شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به مشکلات اقتصادی، آب و اجتماعی اشاره کرد. جمعیت شهرستان رستم، بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ برابر ۴۶۸۵۱ نفر است که یک درصد از جمعیت استان فارس را شامل می‌شود و شامل (۲۳۱۹۳ نفر مرد و ۲۳۶۵۸ نفر زن) می‌باشد. جمعیت شاغل شهرستان بر اساس سرشماری مذکور برابر ۱۱۱۶۸ نفر است که از این تعداد ۷۲۵۰ نفر معادل ۶۵ درصد در بخش کشاورزی فعال هستند. شهرستان رستم به لحاظ کشاورزی سرزمینی زرخیز و پرتوان است. تعبیر نادرشاه افشار از این خاک به (دشتی پر از نان) مؤید همین مطلب است (دهقان، ۱۳۸۹). با توجه به نقش مهم کشاورزی در شهرستان رستم به‌عنوان فعالیت اصلی اکثر روستائینان و موانع موجود در راه توسعه کشاورزی که به‌صورت چالش‌های بحث‌برانگیز در کشاورزی منطقه مطرح شده است، شناسایی این موانع بسیار مفید می‌باشد. این در حالی است که کشاورزی منطقه توسعه مطلوبی نیافته و از مشکلات عدیده‌ای رنج می‌برد. مهم‌ترین مطالعاتی که در زمینه توسعه بخش کشاورزی صورت گرفته است بیانگر اهمیت توجه به بخش کشاورزی به‌عنوان بخش پایه برای توسعه سایر بخش‌ها می‌باشد. به‌طور مثال، Omorogiuwa (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای با عنوان نقش کشاورزی در توسعه اقتصادی نیجریه، در مورد کشاورزی این کشور به تحلیل توسعه و عوامل تأثیرگذار بر بهره‌وری کشاورزان پرداخته‌اند.

این محققان در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که توسعه بخش کشاورزی برای پیشرفت این کشور از اهمیت بالایی برخوردار است. این کشور برای قرار گرفتن در مسیر توسعه باید بررسی کند که چه عواملی مانع از توسعه بخش کشاورزی می‌گردند، کشاورزی که پیش از انفجار نفتی ستون فقرات اقتصاد نیجریه را تشکیل می‌دهد. در پژوهشی که توسط Nsikak & Kesit (۲۰۱۵) در کشور نیجریه انجام گرفت مشخص شد که چالش‌های موجود در بخش کشاورزی این کشور شامل تغییر آب‌وهوا، شیوه‌های قدیمی کشاورزی، زیربنای ضعیف بخش کشاورزی و حمایت ضعیف دولت از تحقیقات و توسعه تکنولوژی‌های بخش کشاورزی می‌باشند که مانع از افزایش تولید در بخش کشاورزی نیجریه شده است.

کشاورزان در گروه ناپایدار، ۲،۱۵ درصد از کشاورزان در گروه پایدار و فعالیت ۱۱/۶ درصد از کشاورزان در گروه کاملاً پایدار بودند.

در پژوهشی دیگر، پورجم و فرهادیان (۱۳۹۱) یکی از مهم‌ترین چالش‌های بخش کشاورزی را ناهماهنگی در حوزه سیاست‌گذاری و وجود مراکز متعدد سیاست‌گذاری در این حوزه می‌داند.

رضائی و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان تحلیل موانع توسعه کشاورزی ارگانیک در شهرستان زنجان از دیدگاه کشاورزان روستای کنوند، نشان داد که چهار عامل حمایتی مالی، انبار و بازاریابی، انگیزشی دانشی و فنی تولیدی از مهمترین موانع توسعه کشاورزی می‌باشند.

نوری و غلامرضایی (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای با عنوان چالش‌های و فرصت‌های فرآروی طرح توسعه کشاورزی در استان لرستان، نتیجه گرفت که مشکلاتی در سه بخش سیستم بانکی، متولیان و برنامه‌ریزان دولتی و متقاضیان دریافت تسهیلات بانکی مشاهده می‌شود که ضروری است تا با برنامه‌ریزی منسجم به رفع این مشکلات همت گمارد. در پژوهشی دیگر که توسط سلیمانی (۱۳۹۱) انجام گرفت چالش‌های کشاورزی که باعث عقب‌ماندگی بخش کشاورزی شده است را شامل چالش‌های قانونی و غیرقانونی می‌داند. مهم‌ترین چالش‌های قانونی که بیش‌ترین تأثیر را بر روی کشاورزی کشور داشته را شامل صادرات، واردات و حذف یارانه‌های کشاورزی و سوخت می‌داند و مهم‌ترین چالش‌های غیرقانونی که بیش‌ترین تأثیر را به روی کشاورزی کشور داشته است را شامل امنیت مواد غذایی و ضایعات کشاورزی است. پاپزن و شیرینی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان بررسی موانع و مشکلات توسعه کشاورزی ارگانیک، در مورد موانع توسعه کشاورزی در شهرستان دره‌شهر (استان ایلام) به موانع زیرساختی، موانع اقتصادی، ضعف دانش و آگاهی کشاورزان، موانع فنی و مدیریتی، موانع حمایتی و مسائل انگیزشی و نگرشی در راه توسعه کشاورزی ارگانیک اشاره دارد.

عزمی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان بررسی وضعیت و چالش‌های کنونی بخش کشاورزی در سهرین زنجان (شهرستان زنجان)، به این نتیجه دست یافت که کشاورزی با مشکلاتی هم‌چون عدم استفاده از بذرهای اصلاح‌شده، عدم استفاده از کودهای تلفیقی، ضعف دانش علمی و بی‌توجهی به توصیه‌های مروجین و عدم توجه محققان به شرایط مکانی برای برگزاری کلاس‌های آموزشی است.

اسفندیاری و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان تنگناهای توسعه کشاورزی در دشت اردبیل و چالش‌های فرآروی برنامه ریزان محیطی به این نتیجه دست یافتند که کمبود آب به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تنگناهای توسعه کشاورزی در دشت اردبیل می‌باشد.

تقدیسی و بسحاق (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای با عنوان تحلیل و ارزیابی پایداری کشاورزی در مناطق روستایی و بررسی نقش کشاورزان، به بررسی سنجش پایداری کشاورزی در مناطق

در مطالعه‌ای دیگر توسط کریم‌زاده و همکاران (۱۳۹۲) با عنوان اهمیت بخش کشاورزی، منابع طبیعی و محیط‌زیست و چالش‌های پیشروی در الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، تنگناهای فرآوری توسعه بخش کشاورزی در کشور را در مشخص نبودن هدف در بخش کشاورزی، تعامل نامطلوب دولت و بخش کشاورزی، کمبود سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، لزوم اصلاح ساختار سیستم‌های آبیاری و نگهداری و نوسازی تجهیزات و استفاده از روش‌های نوین تولیدی (فنی) نشان دادند.

کشاورز (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان پتانسیل‌ها، ظرفیت‌ها و اهم مسائل و چالش‌های توسعه بخش کشاورزی نشان داد که ناپایداری منابع آب زیرزمینی (کمی و کیفی)، پایین بودن (ناچیز بودن) سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، تشدید شوری آب‌ها و خاک کشور، افزایش قیمت‌های تمام شده محصولات کشاورزی و از دست دادن مزیت نسبی تولیدات داخلی و پایین بودن بهره‌وری (عملکرد تولیدات، بازدهی نهاده‌های عوامل تولید به‌خصوص آب و اقتصادی) نقش بسزایی در توسعه‌نیافتگی کشاورزی کشور دارد.

یگانه و نباتی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان تحلیل موانع توسعه کشاورزی در مناطق روستایی با استفاده از تحلیل سلسله مراتبی (AHP) در شهرستان بیجار در مورد موانع توسعه کشاورزی در این شهرستان به موانع محیطی (کمبود منابع آب و مخاطرات اقلیمی مانند خشکسالی، تگرگ، سرمازدگی و گرم‌زدگی)، موانع بازاری (تضمینی نبودن خرید محصول، نوسان شدید قیمت‌ها، سودجویی واسطه‌ها)، موانع فرهنگی (باورهای سنتی و مقاومت در برابر تغییرات، سطح سواد پایین، عدم آگاهی و اطلاع کشاورزان) و موانع ساختاری (خرد بودن و پراکندگی قطعات اراضی زراعی) اشاره دارد.

باقری و بردبار (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان شناسایی چالش‌های پیش روی توسعه کشاورزی دقیق در ایران، تنگناهای پیش روی توسعه کشاورزی دقیق در کشورمان را مورد بحث و بررسی قرار داده و نتیجه می‌گیرند که توسعه بخش کشاورزی در کشور با یکسری چالش‌های مواجه است. عدم توجه به گسترش شیوه‌های نوین در بخش کشاورزی (فنی)، عدم توسعه مکانیزاسیون کشاورزی (فنی)، هزینه بالای فناوری‌های کشاورزی دقیق و کمبود نیروی متخصص در زمینه کشاورزی دقیق، عدم توجه دولت به توسعه و سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، عدم حمایت مؤثر دولت برای توسعه کشاورزی دقیق، عدم استفاده از مدیران متخصص و کارآمد در بخش کشاورزی، پایین بودن سطح دانش بهره‌برداران، عدم اعتماد کشاورزان به کاربرد فناوری‌های نو در بخش کشاورزی، عدم توجه اقتصادی و سودآوری کشاورزی دقیق و سنتی بودن روش‌های کشاورزی نقش بسزایی در توسعه‌نیافتگی کشاورزی کشور دارد.

کالبالی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی در نواحی روستایی شهر گرگان به این نتایج رسیده است که فعالیت‌های ۱۰/۸ درصد از کشاورزان در گروه بسیار ناپایدار، ۳۲ درصد از

منظر برنامه ریزی نشان دادند که عدم انسجام اجتماعی بین تولیدکنندگان روستایی، نابسامانی در مدیریت سرزمین، نبود برنامه ریزی درازمدت، عدم اعتقاد بعضی تصمیم گیران در ساختار برنامه ریزی کشور به توسعه روستایی، تسلط ساختار بخشی نگری، عدم ارتباط بین سازمان های اجرایی، عمده ترین موانع توسعه روستایی در ایران هستند.

بهرامی (۱۳۸۶) در مطالعه ای با عنوان چالش های عمده توسعه روستایی در کردستان نشان داد در بخش اقتصادی کمبود درآمد، فقر، در بخش مدیریت و برنامه ریزی به فقدان سیاست منطقی در برابر روستا و ضعف مشارکت مردم و در بخش اجتماعی کمبود خدمات، عمده ترین چالش های توسعه روستایی هستند. کریمی و هاشمی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان نظرسنجی از روستاییان در مورد چالش های توسعه پایدار روستایی در دهستان ساروق شهرستان اراک، کمبود درآمد و آب را به عنوان مهم ترین چالش های توسعه پایدار روستایی برشمردند.

فتحی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان تحلیل نظام مند نقش عوامل جغرافیایی در توسعه روستاهای استان اردبیل به این نتیجه رسید که کمبود نیروی انسانی متخصص، ضعف زیرساخت های بیرونی و درونی استانی، شرایط اقلیمی، محدودیت اراضی کشاورزی، تعداد چشمه و پراکندگی آن ها از تنگناهای مناطق توسعه نیافته می باشد.

علیائی و محمدی نژاد (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان نقش سرمایه اقتصادی در توسعه نیافتگی روستایی ایران نشان دادند که مهم ترین چالش های روستاها، درآمد و عدم دسترسی و استفاده از تسهیلات بانکی است. میری و همکاران (۱۳۸۹) در مطالعه ای با عنوان نقش سرمایه اجتماعی در توسعه روستایی در منطقه پشت آب سیستان به این نتیجه رسیدند که بین سرمایه اجتماعی و توسعه روستایی رابطه معناداری وجود داشته و در این رابطه هر یک از متغیرها می تواند نقش تأثیرگذاری داشته باشد. از این رو، میزان سرمایه اجتماعی و بهینه نمودن آن می تواند نقش مؤثری در توسعه روستایی منطقه داشته باشد. Arthur (۱۹۶۴) در تحقیقی به بررسی عوامل اقتصادی و اجتماعی و نقش دولت ها در توسعه ناحیه ای در آتلانتا پرداخت و به این نتیجه رسید که آنچه باعث توسعه این ناحیه شده مدیریت و هماهنگی در برنامه ریزی نسبت به دیگر نواحی است. در یک جمع بندی چنین استنباط می گردد که عوامل متعددی در میزان توسعه نیافتگی کشاورزی دخالت دارند که طبق مطالعات انجام گرفته مشتمل بر عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی، عوامل سرمایه ای، عوامل تسهیلاتی، عوامل سازمانی و مدیریتی، عوامل فنی و آب می باشد.

اهداف تحقیق

هدف کلی این پژوهش شناسایی بازدارنده های توسعه کشاورزی در روستاهای شهرستان رستم در استان فارس بود که در این راستا اهداف ویژه زیر نیز دنبال شد:

- بررسی توسعه نیافتگی در بخش کشاورزی در روستاهای

روستایی شهرستان ازنا و شناسایی عوامل اجتماعی، اقتصادی و زراعی مؤثر بر آن پرداخته است. یافته های حاصل از این تحقیق نشان می دهد که بین چهار دهستان شهرستان ازنا از نظر میزان به کارگیری و رعایت اصول کشاورزی پایدار تفاوت معنی داری وجود دارد. همچنین چهار عامل سطح تحصیلات، مهارت های اطلاعاتی، انگیزه پیشرفت و درآمد حاصل از محصول حدود ۴۰ درصد از تغییرات متغیر پایداری کشاورزی را توضیح می دهند. قنبری و برقی (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان چالش های اساسی در توسعه پایدار کشاورزی ایران، برخی از پتانسیل ها و تنگناهای فراروی بخش کشاورزی کشور را در ارتباط با توسعه پایدار کشاورزی مورد بحث و بررسی قرار داده و نتیجه گرفته اند که توسعه پایدار کشاورزی در کشورمان علاوه بر چالش های جهانی با چالش های دیگری نیز مواجه است. هرز روی و عدم بهره وری مناسب از منابع آب های سطحی و زیرزمینی، کاربرد غیراصولی از منابع طبیعی، مدیریت توسعه روستایی، امنیت سرمایه گذاری در بخش های تولیدی از جمله این چالش ها است. کلانتری و همکاران (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان چالش های عمده توسعه روستایی در ایران جهت دستیابی به توسعه پایدار به این نتیجه رسیدند که فقدان تنوع در فعالیت های اقتصادی، سطح پایین درآمد، فقر روستایی، استفاده از تکنولوژی نامناسب در بخش کشاورزی، غلبه نیروی کار غیرمتخصص بر فعالیت های روستایی و ضعف زیرساخت های روستایی از چالش های مهم توسعه روستایی هستند.

افراخته (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان نقش ادراک محیطی در توسعه نیافتگی روستایی شهرستان فومن نشان داد که نابرابری، فقر، کمبود سرمایه، نبود مهارت و خلاقیت مهم ترین عوامل مؤثر در توسعه نیافتگی روستاها می باشند.

نوری زمان آبادی و امینی فسخودی (۱۳۸۶) در تحقیقی با عنوان سهم توسعه کشاورزی در توسعه روستایی در مناطق روستایی استان اصفهان به این نتایج دست یافتند که همبستگی بنیادی بین توسعه روستایی و توسعه کشاورزی به میزان ۶،۸۸ درصد، عمدتاً ناشی از ارتباط عواملی نظیر درآمد، اشتغال، ارزش افزوده و سطح علمی شدن در توسعه کشاورزی و اشتغال، تنوع مشاغل، ویژگی های جمعیتی و تسهیلات و امکانات در توسعه روستایی است. همچنین بر اساس نتایج، سهم توسعه کشاورزی در توسعه روستایی در حدود ۴۰ درصد است، در حالی که سهم توسعه روستایی در توسعه کشاورزی در حدود ۲۹ درصد می باشد.

مهدوی و همکاران (۱۳۸۸) در تحقیقی با عنوان نقش عوامل اقتصادی - اجتماعی در توسعه نیافتگی روستایی در شهرستان دیواندره به این یافته ها دست یافتند که عمده مشکلات و موانع توسعه روستایی صرفاً با تأمین اعتبار قابل حل نیست بلکه برنامه های توسعه روستایی باید جامع نگر باشد. همچنین یک رابطه مثبت بین توسعه نیافتگی روستایی با متغیرهای مربوط به عوامل اقتصادی برقرار بوده است. مختاری حصار و زارعی دستگردی (۱۳۸۶) در مطالعه ای با عنوان بررسی موانع و چالش های توسعه روستایی ایران از

شهرستان رستم؛

- شناخت عوامل مؤثر در توسعه نیافتگی کشاورزی

شهرستان رستم؛

- ارائه راهکارهای علمی برای توسعه کشاورزی نواحی روستایی در شهرستان رستم.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از روش پیمایش شکل گرفت. جامعه آماری این تحقیق شامل خانوارهای کشاورز شهرستان رستم بود. روش نمونه‌گیری در تحقیق حاضر نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای می‌باشد که ابتدا از دو بخش مرکزی و سورنا یک بخش به صورت تصادفی انتخاب شد (بخش مرکزی) و در بخش مذکور، از بین دو دهستان رستم ۱ و ۲، یکی به عنوان نمونه به صورت تصادفی انتخاب شد (دهستان رستم ۲)، دهستان رستم دو در غرب شهرستان رستم، با ارتفاع متوسط ۹۲۰ متر از سطح دریا قرار دارد و مساحت شهرستان ۱۲۰۰ کیلومتر مربع می‌باشد. میانگین دمای سالانه منطقه ۲۱ درجه سانتی‌گراد است و مجموع بارش سالانه منطقه حدود ۴۰۰ میلی‌متر بوده که در سالهای اخیر این میزان به خاطر خشکسالی‌های پی‌درپی به کمتر از این مقدار رسیده است (اسکندرنیا و همکاران، ۱۳۹۲). مساحت اراضی کشاورزی دهستان رستم در حدود ۳۲۶۹ هکتار می‌باشد که از این میزان، ۲۴۳۶ هکتار (۷۴/۵ درصد) اراضی زراعی آبی، ۸۲۵ هکتار (۲۵/۲ درصد) اراضی زراعی دیم و ۸ هکتار (۰/۳ درصد) باغ و قلمستان آبی می‌باشد. بر اساس تقسیمات کشوری در سال ۱۳۹۰، دهستان رستم دو دارای ۳۳ روستای دارای سکنه، سه روستای خالی از سکنه، ۱۳۳۸ خانوار و ۶۸۶۴ نفر جمعیت می‌باشد (مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان رستم، ۱۳۹۰). آنگاه روستاهای بالای ۲۰ خانوار دهستان مذکور شناسایی شدند (۱۵ روستا)، از این میان، ۷۵ درصد روستاهای بالای ۲۰ خانوار دهستان رستم دو به صورت تصادفی انتخاب شدند (۱۰ روستا). تعداد خانوار در روستاهای منتخب (۱۰ روستا) شمارش شدند (۶۷۲ خانوار) که بر اساس جدول نمونه‌گیری کرجسی و مورگان (۱۹۷۰)، تعداد ۲۲۰ خانوار به عنوان نمونه برآورد شد که بر اساس انتساب متناسب در بین روستاهای منتخب توزیع گردید (جدول ۱). در هر خانوار منتخب نیز، سرپرست آن مورد مطالعه و مصاحبه قرار گرفت. ابزار جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه محقق ساخته بود که شامل دو قسمت ویژگی‌های فردی و ۹۱ گویه چالشی و یا مانعی در قالب طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت (۱- کاملاً مخالفم تا ۵- کاملاً موافقم) برای بررسی بازدارنده‌های توسعه کشاورزی از دیدگاه کشاورزان طراحی شد. این متغیرها بر مبنای مطالعات پیشین و بازدیدهای مقدماتی از منطقه لحاظ گردید. روایی پرسش‌نامه توسط اساتید و متخصصان مورد تأیید قرار گرفت و پایایی آن با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ بررسی شد ($\alpha = 0/83$). همچنین، تجزیه و تحلیل داده‌ها، توصیف ویژگی‌های فردی و تحلیل عاملی با استفاده از نرم‌افزار SPSSwin ۱۹ انجام شد.

جدول ۱. جامعه و نمونه تحقیق به تفکیک روستاهای مورد مطالعه

روستا	تعداد خانوار	تعداد نمونه
جانی آباد	۸۳	۲۷
دزدک سفلی	۲۰	۷
دزدک علیا	۵۴	۱۸
دهنو سادات پایین	۱۲۳	۴۰
دهنو مقیمی	۱۵۶	۵۰
سراب سیاه	۳۷	۱۲
شهرک دهنو	۴۷	۱۶
کول باکول کوچک	۲۶	۹
منصورآباد سفلی	۴۶	۱۵
منصورآباد علیا	۸۰	۲۶
جمع کل	۶۷۲	۲۲۰

یافته‌ها

الف) ویژگی‌های کشاورزان مورد مطالعه

بر اساس یافته‌ها، از مجموع ۱۹۰ کشاورز مورد مطالعه، ۱۶۳ نفر (۸۵/۸ درصد) مرد و ۲۷ نفر (۱۴/۲ درصد) زن بودند. همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود از نظر تحصیلات، ۲۵ نفر (۱۳/۲ درصد) از آن‌ها بدون تحصیلات، ۲۱ نفر (۱۱/۱ درصد) دارای تحصیلات ابتدایی، ۴۷ نفر (۲۴/۷ درصد) دارای تحصیلات راهنمایی، ۷۳ نفر (۳۸/۴ درصد) تحصیلات دبیرستان و تنها ۲۴ نفر (۱۲/۶ درصد) دارای تحصیلات دانشگاهی بودند. بر اساس نتایج مشاهده می‌شود که دامنه سنی کشاورزان مورد مطالعه ۲۲ تا ۸۲ سال و میانگین سن آن‌ها ۴۳/۳۹ سال با انحراف معیار ۱۱/۸۰ است. میانگین میزان اراضی کشاورزان مورد مطالعه ۳/۶۴ هکتار با انحراف معیار ۲/۵۴ هکتار است که میزان اراضی آن‌ها بین ۰ تا ۲۰ هکتار متغیر بود. این در حالی است که میانگین سابقه کار کشاورزی کشاورزان مورد مطالعه ۱۸/۱۹ سال با انحراف معیار ۱۲/۰۵ سال و سابقه کار کشاورزی آن‌ها در دامنه ۱ تا ۵۴ سال قرار داشت. میانگین تعداد اعضای خانوار کشاورزان مورد مطالعه ۴/۵۰ نفر با انحراف معیار ۲ نفر بود و تعداد اعضای خانوار در دامنه ۱ تا ۱۲ بود. میانگین میزان درآمد ناخالص کشاورزی (سالانه) کشاورزان مورد مطالعه ۰۰۰،۷۹۰،۱۵۰ ریال با انحراف معیار ۰۰۰،۰۰۰،۱۲۶ ریال است که میزان درآمد ناخالص کشاورزی (سالانه) آن‌ها بین ۰۰۰،۰۰۰،۲۰ تا ۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال متغیر بود.

جدول ۲. مشخصات کلی پاسخگویان

مؤلفه	ویژگی	درصد
جنس	مردان	۸۵/۸
	زنان	۱۴/۲
متوسط سن	سال ۴۳/۳۹	
وضعیت تحصیلات	بدون تحصیلات	۱۳/۲
	ابتدایی	۱۱/۱
	راهنمایی	۲۴/۷
	دیپلم	۳۸/۴
	دانشگاهی	۱۲/۶
میانگین اراضی کشاورزان	۳/۶۴ هکتار	
متوسط سابقه کار کشاورزی	سال ۱۸/۱۹	
بُعد خانوار	۴/۵ نفر	

درصد باقی مانده مربوط به متغیرهایی است که در این تحلیل شناسایی نشده‌اند (جدول ۳). همچنین، بر اساس نتایج ارائه شده در همین جدول، مشاهده می‌شود که عامل اول (عامل اقتصادی) با مقدار ویژه ۱۵/۲۶ بیشترین سهم و عامل آخر (عامل فنی‌خدماتی) با مقدار ویژه ۱/۷۷ کمترین سهم را در تبیین واریانس کل عامل‌ها دارند.

جدول ۳. نام عامل‌ها، مقادیر ویژه و واریانس در تحلیل داده‌ها

نام عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد تجمعی واریانس
اقتصادی	۱۵/۲۶۲	۱۸/۲۵۸	۱۸/۲۵۸
اجتماعی	۷/۲۶۰	۹/۰۶۰	۲۷/۳۱۸
تسهیلاتی	۴/۶۳۰	۶/۰۳۶	۳۳/۳۵۴
آب و منابع	۴/۱۲۳	۵/۴۵۴	۳۸/۸۰۸
آموزش-ترویجی	۳/۰۴۹	۴/۲۲۰	۴۳/۰۲۸
سازمانی و مدیریتی	۲/۳۵۱	۳/۴۱۷	۴۶/۴۴۵
سرمایه‌ای	۲/۱۵۳	۳/۱۹۰	۴۹/۶۳۵
برنامه‌ریزی	۲/۰۸۶	۳/۱۱۳	۵۲/۷۴۸
مشارکتی - بازاریابی	۱/۹۷۵	۲/۹۸۵	۵۵/۷۳۳
فنی-خدماتی	۱/۷۷۸	۲/۷۵۸	۵۸/۴۹۱

عامل اول: موانع اقتصادی

عامل اقتصادی مهم‌ترین بازدارنده توسعه بخش کشاورزی در شهرستان رستم می‌باشد. این عامل از سی‌وهشت گویه تشکیل شده است که به‌عنوان عامل اقتصادی نام‌گذاری شدند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود؛ نوسان زیاد قیمت محصولات کشاورزی در زمان برداشت محصول، نوسان زیاد قیمت نهاده‌های کشاورزی، نبود مدیریت صحیح اقتصادی در مزارع و باغات، فقدان مدیریت صحیح جهت استفاده بهینه از منابع تولید، پایین آمدن بازدهی زمین در اثر استفاده مداوم و سرمایه‌گذاری کم در بخش کشاورزی مناطق روستایی به سبب فقر مردم که وضعیت اقتصادی را بین کشاورزان روستاهای مورد مطالعه نشان می‌دهند. مقدار ویژه عامل اقتصادی ۱۵/۲۶ می‌باشد که به‌تنهایی قادر است ۱۸/۲۵ درصد واریانس را تبیین کند. عامل اقتصادی بیشترین تأثیر را در بین عوامل ۱۰ گانه دارد. به بیان ساده‌تر ۱۸/۲۵ درصد از علل توسعه - نیافتگی بخش کشاورزی شهرستان مربوط به مشکلات اقتصادی است (نگاره ۱).

عامل دوم: موانع اجتماعی

یافته‌های حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که عامل اجتماعی پس از عامل اقتصادی مهم‌ترین بازدارنده توسعه کشاورزی در شهرستان است این عامل از پانزده متغیر تشکیل شده است و

تحلیل عاملی بازدارنده‌های توسعه بخش کشاورزی

پژوهشگران معمولاً در انجام تحقیقات به دلایل مختلف با حجم زیادی متغیرها روبه‌رو هستند. برای تحلیل دقیق‌تر داده‌ها و رسیدن به نتایج علمی‌تر و درعین‌حال عملیاتی، محققان به دنبال کاهش حجم متغیرها و یا تشکیل ساختار جدیدی برای آن‌ها می‌باشند. به این منظور یکی از راه‌های کاهش حجم متغیرها، استفاده و بهره‌گیری از روش تحلیل عاملی می‌باشد (ابراهیم‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹).

در این تحقیق به‌منظور تحلیل بازدارنده‌های توسعه در بخش کشاورزی شهرستان رستم، تحلیل عاملی به‌کاررفته است. ابتدا به‌منظور اندازه‌گیری انسجام درونی داده‌ها برای بهره‌گیری از تکنیک تحلیل عاملی از آزمون KMO و آزمون بارتلت استفاده گردید. محاسبات انجام شده نشان داد که انسجام درونی داده‌ها برای بهره‌گیری از تکنیک تحلیل عاملی مناسب بوده است.

مقدار KMO برابر ۰/۷۰۶ و مقدار آزمون بارتلت برابر ۱۲۵۱۶ ($p \geq 0/0001$) به دست آمد که نشان می‌دهد داده‌ها برای انجام تحلیل عاملی مناسب هستند. قابل‌ذکر است، در صورتی که مقدار KMO کمتر از ۰/۵۰ باشد، داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب نیستند. اگر مقدار آن بین ۰/۵۰ تا ۰/۶۹ باشد داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب و می‌توان با احتیاط بیشتر به تحلیل عاملی پرداخت.

اگر بزرگ‌تر از ۰/۷۰ باشد، همبستگی‌های موجود در بین داده‌ها برای تحلیل عاملی بسیار مناسب خواهند بود (کلانتری، ۱۳۹۱). در این بررسی با توجه به ملاک کیسر، ۱۰ عامل با مقادیر ویژه بالاتر از یک استخراج شده که ۵۸/۴۹ درصد از واریانس کل عامل‌ها را تبیین می‌کنند و ۴۱/۵۰

آب باعث کاهش شکاف بین عرضه و تقاضای آب می‌شود.

عامل پنجم: موانع آموزشی - ترویجی

بر اساس یافته‌های پژوهش عامل آموزشی - ترویجی یکی از موانع موجود در مسیر توسعه کشاورزی شهرستان می‌باشد. همان‌طور که در جدول ۳ مشخص است، عامل آموزشی ترویجی ۴/۲۲ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند. به بیان دیگر، ۴/۲۲ درصد از علل توسعه نیافتگی کشاورزی در سطح شهرستان مربوط به مشکلات آموزشی ترویجی می‌باشد. از جمله متغیرهایی که در این عامل جای می‌گیرند می‌توان به نامناسب بودن کیفیت و مدت زمان دوره‌های آموزشی ترویجی برای کشاورزان و ضعف در استفاده از ظرفیت‌های بالقوه بخش کشاورزی برای تولید و توسعه اشاره کرد.

عامل ششم: موانع سازمانی و مدیریتی

طبق نتایج تحقیق عامل سازمانی و مدیریتی یکی دیگر از عواملی است که در میزان توسعه نیافتگی کشاورزی نقش دارد. عامل سازمانی و مدیریتی ۳/۴۱ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند. به بیان ساده‌تر ۳/۴۱ درصد از علل توسعه نیافتگی کشاورزی شهرستان مربوط به مشکلات سازمانی و مدیریتی می‌باشد. گویه‌هایی مانند تولیدات عمدتاً سنتی بوده و معمولاً مبتنی بر برنامه نمی‌باشد. کاغذبازی در زمینه اعتبارات کشاورزی، نرخ بهره بالای تسهیلات کشاورزی و کوتاه‌مدت بودن اکثر وام‌ها در این عامل قرار گرفته‌اند.

عامل هفتم: موانع سرمایه‌ای

عامل سرمایه‌ای یکی دیگر از موانع موجود بر سر راه توسعه کشاورزی در شهرستان می‌باشد. عامل سرمایه‌ای با مقدار ویژه ۲/۱۵ نیز توانسته ۳/۱۹ درصد واریانس کل عامل‌ها را تبیین کند. متغیرهای پایین بودن سطح درآمد خانوارهای روستایی و ناکارآمد بودن نظام‌های تعاونی تولید روستایی در این عامل قرار می‌گیرند.

عامل هشتم: موانع برنامه‌ریزی

عامل برنامه‌ریزی نیز از جمله بازدارنده‌های توسعه در بخش کشاورزی منطقه می‌باشد. این عامل با مقدار ویژه ۲/۰۸ نیز ۳/۱۱ درصد واریانس کل عامل‌ها را تبیین می‌کند و دو متغیر؛ عدم برنامه‌ریزی بلندمدت در بخش کشاورزی توسط سازمان جهاد کشاورزی و توجه نکردن به کشاورزان خرده‌پا و کوچک را در خود جای داده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی یکی دیگر از موانع توسعه کشاورزی می‌باشد. با توجه به این‌که برنامه‌ریزی فرآیندی برای دستیابی سریع‌تر و آسان‌تر به هدف توسعه است که در آن هم مسیر و هم مراحل رسیدن به هدف و هم نحوه دستیابی به آن تعیین می‌شود؛ بنابراین برای رفع این مانع توسعه در کشاورزی منطقه و رسیدن به توسعه نیاز است که مسئولان مربوطه در حیطه برنامه‌ریزی، مناسب‌ترین برنامه‌ها را با توجه به شرایط منطقه تدوین و اجرا نمایند.

با عنوان عامل اجتماعی نام‌گذاری شدند. از جمله این متغیرها می‌توان به توزیع ناعادلانه بودجه و اعتبارات در استان فارس، ضعف در اجرای سیاست خرید محصولات کشاورزی به‌طور تضمینی، حمایت ضعیف دولت از تولید کشاورزی، افزایش کاغذبازی اداری و قیدوبندهای دست و پاگیر، عدم توجه کافی به بخش کشاورزی در منطقه و به حاشیه رفتن کشاورزی در اقتصاد کشور را نام برد. مقدار ویژه عامل اجتماعی ۷/۲۶ می‌باشد که به تنهایی قادر است ۹/۰۶ درصد واریانس را تبیین کند. عامل اجتماعی بعد از عامل اقتصادی بیشترین تأثیر را در بین عوامل ده‌گانه دارد.

عامل سوم: موانع تسهیلاتی

نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که عامل تسهیلاتی، سومین مانع توسعه کشاورزی در شهرستان است. این عامل به تنهایی ۶/۰۳ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند. به بیان دیگر، ۶/۰۳ درصد از علل توسعه نیافتگی کشاورزی به مشکلات تسهیلاتی برمی‌گردد. میزان کم و ناپایدار پس‌اندازهای تولیدکنندگان روستایی و ناکافی بودن تسهیلات برای انجام فعالیت‌های عملی کشاورزی از جمله متغیرهایی است که در این عامل جای می‌گیرند. مشکلات زیادی در ارائه تسهیلات کشاورزی وجود دارد که برای دستیابی به کشاورزی توسعه‌یافته نیاز به بازنگری اساسی در قوانین بانک کشاورزی در زمینه ارائه تسهیلات به کشاورزان ضروری به نظر می‌رسد.

عامل چهارم: موانع آب و منابع

محدودیت آب و منابع چهارمین بازدارنده توسعه در بخش کشاورزی شهرستان رستم است. متغیرهایی که در این عامل جای گرفته‌اند عبارت‌اند از: خشکسالی‌های مداوم و کشت محصولاتی که نیاز به آب فراوان دارند، استفاده نادرست از آب‌های سطحی در سطح شهرستان، کاهش کمیت و کیفیت منابع آب کشاورزی و نبود جایگاه برنامه‌ریزی محلی و منطقه‌ای در نظام برنامه‌ریزی کشور و استان و غیره. همان‌گونه که در جدول ۳ نیز دیده می‌شود، مقدار ویژه عامل آب و منابع برابر ۴/۱۲ می‌باشد که پس از عامل‌های اقتصادی، اجتماعی و تسهیلاتی در رده چهارم قرار دارد. درصد واریانس این عامل ۵/۴۵ درصد است و نشان می‌دهد این عامل در مجموع ۵/۴۵ درصد از واریانس کل متغیرهای تحت بررسی را تبیین می‌کند. یافته‌های حاصل از این پژوهش روایت از آن دارد که خشکسالی و کمبود آب‌های سطحی و زیرزمینی به صورت مشکلی اساسی در مسیر توسعه کشاورزی منطقه ظاهر شده که برای مقابله و سازگاری با این شرایط، اجرای تدابیر خاصی در منطقه ضروری است؛ از جمله می‌توان به بهینه‌سازی و افزایش راندمان آب و همچنین اجرای الگوی کشت بهینه در کشاورزی منطقه اشاره کرد. اجرای الگوی کشت بهینه علاوه بر این‌که باعث کاهش هزینه‌های تولید می‌شود باعث افزایش سود و درآمد کشاورزان نیز می‌گردد. هم‌چنین با توجه به این‌که آب یکی از عوامل اصلی در تولید کشاورزی به شمار می‌آید، بهینه‌سازی مصرف

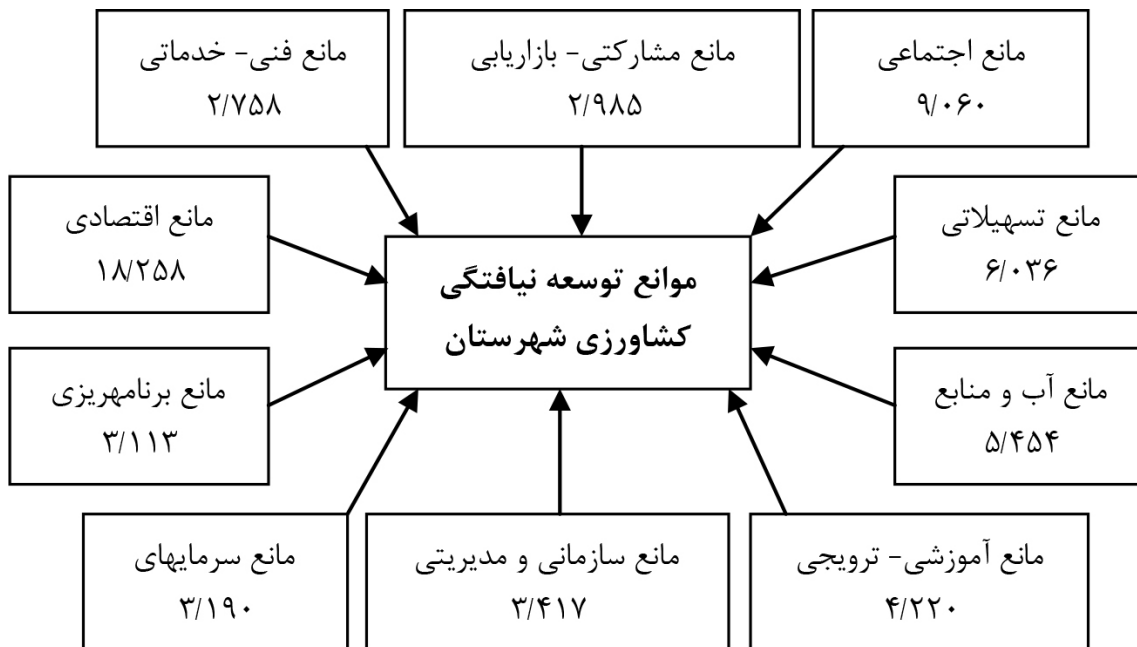
عامل نهم: موانع مشارکتی - بازاریابی

نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که عامل مشارکتی - بازاریابی، عامل نهم از بازدارنده‌های توسعه است. این عامل نیز از دو متغیر تشکیل شده است که به‌عنوان عامل مشارکتی - بازاریابی نام‌گذاری شدند. این متغیرها شامل عدم مشارکت کشاورزان در سیاست‌های برنامه‌ریزی بخش کشاورزی و نبود نظام بازاریابی علمی و هدفمند نام دارند که با مقدار ویژه $1/97$ نیز $2/98$ درصد از واریانس کل عامل‌ها را تبیین می‌کنند.

عامل دهم: موانع فنی - خدماتی

عامل فنی - خدماتی با مقدار ویژه $1/77$ نیز $2/75$ درصد از علل توسعه‌نیافتگی کشاورزی در شهرستان رستم را به خود اختصاص داده است. نگاره ۱ میزان تأثیر هر یک از ده بازدارنده توسعه در کشاورزی شهرستان رستم را نشان می‌دهد. همان‌طور که در شکل دیده می‌شود، عامل فنی - خدماتی کم‌ترین درصد تأثیر را نسبت به نه عامل دیگر در توسعه‌نیافتگی کشاورزی شهرستان دارد. از متغیرهای تحقیق که در عامل فنی - خدماتی جای گرفته‌اند می‌توان بکار نبردن روش‌های علمی و فنون نوین و پیشرفته کشاورزی در اراضی به‌وسیله کشاورزان را نام برد.

نگاره ۱. نسبت تأثیر عامل‌های ۱۰ گانه به‌عنوان بازدارنده‌های توسعه در بخش کشاورزی

**بحث و نتیجه‌گیری**

توسعه کشاورزی، همانند واژه «توسعه» در گذر زمان دچار تحول بنیادین شده است. به‌طوری‌که امروزه از آن به‌عنوان «توسعه کشاورزی پایدار» یاد می‌شود (رکن‌الدین‌افتخاری، ۱۳۹۱). توسعه گذار از وضعیتی به وضعیت دیگر می‌باشد و عبارت است از تغییر، تحول و پیشرفت (رکن‌الدین‌افتخاری و همکاران، ۱۳۸۲). به‌طور خلاصه نقش کشاورزی در کشورهای درحال توسعه در پنج محور محیطی، اجتماعی، امنیت غذایی، اقتصادی و فرهنگی قرار می‌گیرد (رکن‌الدین‌افتخاری، ۱۳۹۱). در کشور گابون نیز در برنامه موقت ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۲ بدون هیچ ابهامی آمده که توسعه کشاورزی و روستایی مقدم بر همه اولویت‌ها خواهد بود (تريکار، ۱۳۷۱). رابینسون معتقد است که صنعت باید در خدمت کشاورزی قرار بگیرد و تولید محصولات کشاورزی را ضروری‌ترین وسیله برای قطع وابستگی سیاسی کشورهای جهان سوم از سلطه گران غربی می‌داند (رابینسون، ۱۳۶۵). امروزه نگاهی متفاوت به بخش کشاورزی و به‌کارگیری علوم و روش‌های نوین در این بخش باهدف توسعه پایدار و تأمین امنیت غذایی کشور کاملاً ضروری است. همان‌گونه که نتایج تحلیل عاملی نشان داد عوامل بازدارنده توسعه در بخش کشاورزی بر اساس میزان تأثیر در توسعه کشاورزی به ترتیب شامل عوامل اقتصادی، اجتماعی، تسهیلاتی، آب و منابع، آموزشی - ترویجی، سازمانی و مدیریتی، سرمایه‌ای، برنامه‌ریزی، مشارکت - بازاریابی و فنی - خدماتی می‌باشد. این یافته‌ها نشان می‌دهند که توجه بایسته و شایسته‌ای به حوزه نامبرده در کشاورزی شهرستان معطوف نگشته و برای توسعه کشاورزی شهرستان نیاز به بهبود و رفع این

- تسهیلات، سومین مانع توسعه کشاورزی می باشد. از جمله می توان به ناکافی بودن تسهیلات برای انجام فعالیت های عملی کشاورزی نام برد. اعطای تسهیلات اعتباری توسط بانک کشاورزی به کشاورزان و تولیدکنندگان روستایی علاوه بر افزایش ظرفیت های اشتغال در بخش کشاورزی، باعث افزایش تولیدات کشاورزی نیز می گردد.

- آب، چهارمین مانع توسعه کشاورزی می باشد. از جمله کاهش کمیت و کیفیت منابع آب کشاورزی می باشد. تمام بارش های منطقه در فصول سرد سال نازل می شود و بدون استفاده از دسترس خارج می شود که با ایجاد سدهای بتونی و انجام اقدامات آبخیزداری در منطقه و مهار آب های سطحی و تقویت آب های زیرزمینی و همچنین ایجاد سد بروی چشمه های دائمی در منطقه می توان موجب رونق فعالیت های کشاورزی در منطقه شد. از طرف دیگر شیوه های سنتی انتقال آب و آبیاری موجب هدر رفتن بخش عظیمی از منابع آب منطقه می گردد که می توان با اجرای سیستم های تحت فشار (قطرهای و بارانی) از اتلاف آب در اراضی زراعی و باغی جلوگیری کرد. - ایجاد ارگان های مختص توسعه کشاورزی وابسته به وزارت جهاد کشاورزی با همکاری همه دستگاه های درگیر در توسعه کشاورزی که به صورت هماهنگ متولی همه فعالیت های مربوط به توسعه کشاورزی و حرکت روبه جلو این فعالیت ها باشد.

منابع و مآخذ

۱. ابراهیم زاده، ع.، اسکندری، م.، و اسماعیل نژاد، م. (۱۳۸۹). کاربرد تحلیل عاملی در تبیین الگوی فضایی توسعه و توسعه نیافتگی شهری منطقه ای در ایران. جغرافیا و توسعه، شماره ۱۷، صفحات ۷-۲۸.
۲. اسفندیاری، ف.، مکلف سربند، ا.، و محمدی، ا. (۱۳۸۸). تنگناهای توسعه کشاورزی در دشت اردبیل و چالش های فرآوری برنامه ریزان محیطی. همایش بحران آب و ضرورت احیای حقایق استان اردبیل، شرکت آب منطقه ای اردبیل با همکاری انجمن علمی مهندسی عمران دانشگاه محقق اردبیلی.
۳. اسکندرنیا، م.، انصاری، ن.، شریفی، س.، کرم پور، ع.، و خالقی پور، ا. (۱۳۹۲). سیمای بخش کشاورزی شهرستان رستم. چاپ اول.
۴. افراخته، ح. (۱۳۸۵). نقش ادراک محیطی در توسعه نیافتگی روستایی شهرستان فومن. جغرافیا و توسعه، شماره ۱۴، صفحات ۱۵۷-۱۷۵.
۵. امیر تیموری، س.، و خلیلیان، ص. (۱۳۸۶). رشد بهره وری عوامل تولید در بخش کشاورزی ایران و چشم انداز آن در برنامه چهارم توسعه. مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال ۱۵، شماره ۵۹، صفحات ۳۷-۵۲.
۶. باقری، ن.، و بردبار، م. (۱۳۹۲). شناسایی چالش های پیش روی توسعه کشاورزی دقیق در ایران. پژوهش های ترویج و آموزش کشاورزی، سال ۶، شماره ۲، صفحات ۹۷-۱۰۷.

بازراندننده های توسعه است. یافته های این پژوهش در خصوص بازراندننده های توسعه کشاورزی با مطالعات سلیمانی (۱۳۹۱) و یگانه و نباتی (۱۳۹۲) در زمینه بازراندننده اقتصادی، کشاورز (۱۳۹۲) و پاپزن و شیرینی (۱۳۹۱) در حیطه اجتماعی، قنبری و برقی (۱۳۸۷) در بُعد تسهیلاتی و اسفندیاری و همکاران (۱۳۸۸) در حیطه آب و منابع هم خوانی دارد. در پژوهشی دیگر باقری و بردبار (۱۳۹۲) و عزمی (۱۳۹۰) در مطالعات مجزایی نشان دادند که مانع آموزش ترویجی یک بازراندننده در مسیر توسعه کشاورزی هست که با نتایج حاصل از پژوهش حاضر هم خوانی دارند. پورجم و فرهادیان (۱۳۹۱) در مطالعه خود نشان مسیر توسعه کشاورزی هست که با نتایج حاصل از پژوهش حاضر هم خوانی دارند. پورجم و فرهادیان (۱۳۹۱) در مطالعه خود نشان دادند که عامل سازمانی و مدیریتی از بازراندننده های توسعه در بخش کشاورزی می باشد که مورد بی توجهی قرار گرفته است. همچنین نتایج این تحقیق در خصوص بازراندننده سرمایه ای در زمینه توسعه کشاورزی با مطالعه کریم زاده و همکاران (۱۳۹۲) هم خوانی دارد. آن ها نیز نشان دادند که عامل سرمایه ای از موانع توسعه در کشاورزی می باشد. نتایج حاصل از مطالعه نوری و غلامرضایی (۱۳۹۱) در حیطه برنامه ریزی، رضائی و همکاران (۱۳۹۱) در زمینه مشارکتی - بازاریابی هم خوانی دارد.

پیشنهادها

در راستای یافته های پژوهش پیشنهاد های زیر آورده شده اند:

- با توجه به نتایج به دست آمده از تحلیل عاملی، مهم ترین مانع توسعه کشاورزی در شهرستان رستم، عوامل اقتصادی از جمله نوسان زیاد قیمت محصولات کشاورزی می باشد که بخش عمده ای از درآمد کشاورزان در زمان برداشت محصول (مرحله فروش) از بین می رود. دولت با ایجاد سازوکارهایی می تواند علاوه بر مدیریت نوسان زیاد قیمت محصولات کشاورزی در زمان برداشت این محصولات، باعث کاهش ریسک تولیدات کشاورزی گردد و به عنوان محرک اساسی و اصلی کشاورزان برای کشت محصولات بهتر در راستای توسعه کشاورزی عمل نماید.

- عوامل اجتماعی، دومین مانع توسعه کشاورزی می باشد؛ که از جمله این عوامل می توان به توزیع ناعادلانه بودجه و اعتبارات در استان فارس، ضعف در اجرای سیاست خرید محصولات کشاورزی به طور تضمینی و حمایت ضعیف دولت از تولید کشاورزی نام برد. توزیع عادلانه اعتبارات و نگاه عادلانه به تمام شهرستان های استان توسط دولت و مسئولان استانی، باعث ایجاد توسعه ای متعادل و متوازن در استان و کشور خواهد شد. حمایت ضعیف دولت از تولیدات کشاورزی و ضعف در اجرای سیاست خرید محصولات کشاورزی به طور تضمینی نشان از خلأ نقش مؤثر دولت در ایجاد توسعه کشاورزی در منطقه دارد که این نیاز به توجه بیشتر دولت به بخش کشاورزی به عنوان یکی از پایه های اصلی و اساسی اقتصاد کشور دارد.

۷. بهرامی، ر. (۱۳۸۶). چالش‌های عمده توسعه پایدار. تحقیقات جغرافیا، شماره ۹۸، صفحات ۱۲۶-۱۴۱.
۸. پابزن، ع. و شیر، ن. (۱۳۹۱). بررسی موانع و مشکلات توسعه کشاورزی ارگانیک. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ۱، شماره ۱، صفحات ۱۱۳-۱۲۶.
۹. پورجم، ا. و فرهادیان، ه. (۱۳۹۱). نگاهت نهادی بخش کشاورزی، آب و منابع طبیعی. اولین کنفرانس ملی راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار، تهران، وزارت کشور. ۱۰. تریکار، ژ. (۱۳۷۱). مسائل توسعه روستایی. (ترجمه ابوالحسین سرو قدمقدم)، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد.
۱۱. تقدیسی، ا. و بسحاق، م. (۱۳۹۱). تحلیل و ارزیابی پایداری کشاورزی در مناطق روستایی و بررسی نقش کشاورزان. جغرافیا (فصلنامه علمی پژوهشی انجمن جغرافیای ایران)، سال ۱۰، شماره ۳۳، صفحات ۱۴۷-۱۲۹.
۱۲. دهقان، ح. (۱۳۸۹). ایل‌گرایی و علم‌گرایی. انتشارات راز، شیراز.
۱۳. رابینسون، ج. (۱۳۶۵). جنبه‌هایی از توسعه و توسعه‌نیافتگی. (ترجمه حسن گلریز)، نشر نی، تهران.
۱۴. رضائی، ر. و صالحی‌مقدم، ن. (۱۳۹۱). تحلیل موانع توسعه کشاورزی ارگانیک در شهرستان زنجان از دیدگاه کشاورزان روستای کنوند. اولین کنفرانس ملی راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار، تهران، وزارت کشور، ۵ صفحه.
۱۵. رکن‌الدین افتخاری، ع. (۱۳۹۱). توسعه کشاورزی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
۱۶. رکن‌الدین افتخاری، ع.، بدری، ع. و سعیدی، ع. (۱۳۸۲). ارزیابی پیامدهای اقتصادی ادغام روستاها پس از حادثه زلزله از دیدگاه توسعه پایدار. مدرس، شماره ۶۰، صفحات ۲۳-۲۹.
۱۷. رکن‌الدین افتخاری، ع.، پورطاهری، م.، فرج‌زاده، م. و حیدری ساریان، و. (۱۳۸۸). نقش توانمندسازی در توسعه کشاورزی، مطالعه موردی استان اردبیل. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۶۹، صفحات ۱۰۳-۸۷.
۱۸. سلیمانی، م. (۱۳۹۱). بررسی چالش‌های بخش کشاورزی و نقش آن در توسعه کشاورزی. اولین کنفرانس ملی راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار، تهران، وزارت کشور.
۱۹. شبانی، ا.، دشتی، ق.، قهرمان‌زاده، م.، حیاتی، ب. و حسین‌زاده‌فیروزی، ج. (۱۳۹۲). اندازه‌گیری منابع رشد کشاورزی در زیربخش زراعت ایران. نشریه اقتصاد و توسعه کشاورزی، جلد ۲۷، شماره ۳، صفحات ۲۲۹-۲۲۳.
۲۰. شریف‌زاده، ا.، حسینی، م.، کلانتری، خ.، اسدی، ع. و شریفی، م. (۱۳۸۶). تدوین الگوی نمایای پارادایم جدید برای نظام تحقیقات کشاورزی کشور. علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، جلد ۳، شماره ۲، صفحات ۸۳-۶۹.
۲۱. عزمی، آ. (۱۳۹۰). بررسی وضعیت و چالش‌های کنونی بخش کشاورزی در سهرین زنجان (شهرستان زنجان). دو فصلنامه پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، سال ۲، شماره ۴،
- صفحات ۴۰-۳۱.
۲۲. علیائی، م. و محمدی‌نژاد، ب. (۱۳۸۹). بررسی نقش سرمایه اقتصادی در توسعه‌نیافتگی روستایی ایران، مطالعه موردی روستاهای شهرستان دیواندره. برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۱۸، صفحات ۱۵۶-۱۴۳.
۲۳. فتحی، ع. (۱۳۸۹). تحلیل سیستماتیک نقش عوامل جغرافیایی در توسعه روستاهای اردبیل. جغرافیای سرزمین، شماره ۲۸، صفحات ۳۹-۱۹.
۲۴. قنبری، ی. و برقی، ح. (۱۳۸۷). چالش‌های اساسی در توسعه پایدار کشاورزی در ایران. راهبرد یاس، شماره ۸۱، صفحات ۲۳۴-۲۱۹.
۲۵. کالبالی، ا.، سالارپور، م.، کاوند، ح. و سلطانی، س. (۱۳۹۲). تحلیل و ارزیابی شاخص‌های ذهنی کشاورزی پایدار در مناطق روستایی. اولین کنفرانس ملی الکترونیکی علوم کشاورزی و محیط‌زیست.
۲۶. کریم‌زاده، م.، پایدارمنش، ن. و طالب‌زاده بردسیری، ع. (۱۳۹۲). اهمیت بخش کشاورزی، منابع طبیعی و محیط‌زیست و چالش‌های پیش روی در الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی. دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: مفاهیم، مبانی و ارکان پیشرفت، اردیبهشت ماه.
۲۷. کریمی، م. و هاشمی، ا. (۱۳۸۸). نظرسنجی از روستاییان در مورد چالش‌های توسعه پایدار روستایی در دهستان ساروق استان اراک. روستا و توسعه، شماره ۲، صفحات ۱۷۸-۱۵۵.
۲۸. کشاورز، ع. (۱۳۹۲). پتانسیل‌ها، ظرفیت‌ها و اهم مسائل و چالش‌های بخش کشاورزی. دفتر ساماندهی کشاورزی و آب اتاق ایران، ۴ شهریور.
۲۹. کلانتری، خ. (۱۳۹۱). پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی اقتصادی. تهران، چاپ پنجم.
۳۰. کلانتری، خ.، اسدی، ع.، شعبانعلی فمی، ح. و چوپچیان، ش. (۱۳۸۵). پژوهشی با عنوان چالش‌های عمده توسعه روستایی در ایران جهت دستیابی به توسعه پایدار. روستا و توسعه، شماره ۶۲، صفحات ۲۳-۱.
۳۱. گاتاک، س. (۱۳۸۰). درآمدی بر اقتصاد توسعه، ترجمه زهرا افشاری. تهران: دانشگاه الزهرا.
۳۲. مختاری‌حصاری، آ. و دستگردی، ز. (۱۳۸۶). بررسی موانع و چالش‌های توسعه روستایی در ایران از منظر برنامه‌ریزی. فصلنامه سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی، شماره ۱۸، صفحات ۳۹-۳۲.
۳۳. مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان رستم. (۱۳۹۰). آمارنامه کشاورزی. انتشارات مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان رستم.
۳۴. مطیعی لنگرودی، ح. و شمسایی، ا. (۱۳۸۶). توسعه روستایی مبتنی بر تداوم و پایداری کشاورزی، مطالعه موردی بخش ساجسرود زنجان. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۸۵، صفحات ۱۰۴-۸۵.
۳۵. موسوی، م. و صدیقی، ح. (۱۳۹۳). تعیین سطح

- توسعه یافتگی کشاورزی استان های کشور. فصلنامه راهبردهای توسعه روستایی، جلد ۱، شماره ۴، صفحات ۵۵-۷۱.
۳۶. مهدوی، م.، علیائی، م.، و ایل بیگی، ن. (۱۳۸۸). نقش عوامل اقتصادی-اجتماعی در توسعه نیافتگی روستایی. مجله جامعه شناسی معاصر، سال ۱، شماره ۴، صفحات ۱۷۳-۱۵۵.
۳۷. میری، غ.، جوان، ج.، افراخته، ح.، ولایتی، س.، و شایان، ح. (۱۳۸۹). نقش سرمایه اجتماعی در توسعه روستایی منطقه پشت آب سیستان. جغرافیا و توسعه ی ناحیه ای، شماره ۱۴، صفحات ۲۹-۴۹.
۳۸. نوری، ح.، و غلامرضایی، س. (۱۳۹۱). چالش ها و فرصت های فرآروی طرح توسعه کشاورزی؛ مورد استان لرستان. اولین کنفرانس ملی راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار، تهران، وزارت کشور.
۳۹. نوری زمان آبادی، ه.، و امینی فسخودی، ع. (۱۳۸۶). سهم توسعه کشاورزی در توسعه روستایی، مطالعه موردی مناطق روستایی اصفهان. مجله علوم کشاورزی ایران، دوره ۲-۳۸، شماره ۲، صفحات ۲۷۵-۲۶۳.
۴۰. یگانه، ب.، و نباتی، ع. (۱۳۹۲). تحلیل موانع توسعه کشاورزی در مناطق روستایی با استفاده از تحلیل سلسله مراتبی (AHP). نشریه فضای جغرافیایی، دوره ۱۳، شماره ۴۴، صفحات ۱۵۲-۱۳۵.
41. Arthur, H. (1964). The Raleaf regional development management in central city, revitalization. *Journal of Planning Literature*, 8(4): 4555-.
42. Bruce, F. J., & Mellor, J. (1961). The role of agriculture in economic development. *American Economic Review*, 51(4): 566593 -.
43. Krejcie, R. V., & Morgan, D. W. (1970). Determining sample size for research activities. *Educational and Psychological Measurement*, (30): 607610 -.
44. Nsikak- Abasi, A. E., & Kesit, K. N. (2015). Barriers to Increasing Agricultural Production in Nigeria. *American Journal of Agricultural Science*, 2(4): 138143 -.
45. Ommani, A.R., Chizari, M., Salmanzadeh, C., & Farj Allah Hossaini, J. (2009). Predicting adoption behavior of farmers regarding on- farm sustainable water resources management (SWRM): Comparison of models. *Journal of Sustainable Agriculture*, 3(5): 595616-.
46. Omorogiuwa, O., Zivkovic, J., & Ademoh, F. (2014). The role of agriculture in the economic development of Nigeria. *European Scientific Journal*, 10(4): 133147-.

